

مجموعه مقالات همایش

## عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر

نکوداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی

(۲۵ - ۲۷ بهمن ۱۳۸۳، دانشگاه تهران)

باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران

(معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران)

و

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

گردآوری و تدوین

شهرام پازوکی

## فهرست مطالب

هفت	شهرام پازوکی	مقدمه دبیر علمی همایش
یازده		عرفان، تصوّف، اسلام و ایران
		سخنرانی‌های افتتاحیه
۱		پیام سیّد محمد خاتمی
۵		پیام سیّد حسین نصر
۹	رضا داوری اردکانی	سهروردی و ایران معاصر
۱۵	غلامحسین ابراهیمی دینانی	جایگاه سهروردی در میان اندیشمندان...

## مقالات بخش اول: نکوداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی

		اندیشه سهروردی
۲۵	محمدعلی موحد	آیا شیخ اشراق قربانی بلندپروازی‌ها...
۳۵	نجفقلی حبیبی	لزوم تمسک به شرع از نظر شیخ اشراق...
۴۳	محسن کدیور	سهروردی و عشق
۵۷	محمد رضا ریخته‌گران	حسن، عشق، حزن

۶۵	بابک عالیخانی	ظلمت در فلسفه سهروردی
۷۳	مهدی دهباشی	همبستگی تأویل با عالم مثال در عرفان...
۹۳	علی محمد ساجدی	حکیم سهروردی و فیاضیت حق تعالی در...

## سهروردی و دیگران

۱۲۵	اکبر ثبوت	سهروردی در هند
۱۶۱	مهدی محقق	شرح قطب‌الدین شیرازی بر حکمة‌الاشراق...
۱۷۱	محمد بقایی (ماکان)	سهروردی و اقبال
۱۹۹	شهین اعوانی	درآمدی بر نفس در سهروردی و مقایسه آن...
۲۲۱	فریده معتکف	تأثیر فلسفه و حکمت ایران بر فلسفه و...
۲۳۷	مریم زیبایی نژاد	هم‌سویی اندیشه در آثار سهروردی و حافظ...
۲۶۷	فاطمه مدرسی	اسطوره فریدون اژدر اوژن
۲۹۹	افسانه خاتون آبادی	کیخسرو در فلسفه شیخ شهاب‌الدین سهروردی...

## مقالات بخش دوم: عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر

## عرفان و انسان معاصر

۳۱۳	علی اصغر مصلح	پرسش از نسبت تصوّف و مدرنیته
۳۲۳	محمد یوسف تیری	بحران تعریف در عرفان معاصر
۳۴۱	منوچهر صدوقی سها	ضرورت حضور شیخ شهید اشراقی در...
۳۵۱	عبدالعزیز ساجدینا	اشراق نور عرفان در جهان معاصر
۳۵۹	محمد کریمی زنجانی اصل	حکمت اشراقی، هم‌اندیشی ادیان و...
۳۷۵	بابک شمشیری	نقش عرفان در پیشگیری و...

		عرفان، اسلام، ایران
۳۹۵	سید محمد بهشتی	دین از منظر فرهنگ ایرانی
۴۰۳	عبدالرسول خیراندیش	جهبذ و کهبذ
۴۱۵	محمد خواجوی	عرفان، اسلام و تشیع
۴۳۵	علی اصغر سیفی	مقدمه‌ای بر عروج معنوی انسان کامل
۴۶۳	حامد ناجی اصفهانی	حضرت آدم و خلافت او در اندیشه ابن عربی
۴۷۵	حسین ابوالحسن تنهایی	ضرورت جامعه‌شناختی تبارشناسی در...
۴۹۱	سعید بینای مطلق	دوروی هستی در عرفان و تمثیل غار افلاطون
۵۰۳	قاسم کاکایی	نسبت بین اسلام و عرفان
۵۱۱	سعید گراوند	ریشه‌های ماهوی تصوف و تشیع
۵۲۳	شاهد چوهدری	سلسله سهروردیه در شبه‌قاره پاکستان و هند و...

## عرفان و هنر

۵۴۷	هادی ندیمی	مدخلی بر نسبت عرفان و هنر
۵۵۷	بهمن نامور مطلق	ساختارشناسی روایت‌های شهودی سهروردی
۵۷۳	حسن بلخاری قهی	تأملی در مبانی نظری هنر اسلامی
۵۸۹	مهدی حجت	عرفان و معماری
۵۹۷	حسین مفید	نقش و نقش‌نقشبند در معماری ایرانی
۶۰۷	جلیل مشیدی	خط توحید و توحید خط

## مقالات خارجی

1	محمد لگنهاوزن	سیر معنوی و عقلی آنسلم و سهروردی
37	یانیس ایشوتس	مقایسه نظریات دو فیلسوف قرون وسطایی در باب متافیزیک نور (سهروردی و گراستست)

## مقدمه

همایش "عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر، نکوداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی" دومین همایش با صبغه عرفانی بود که در روزهای ۲۵ تا ۲۷ بهمن‌ماه سال ۱۳۸۳ در محل باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران برگزار شد. همایش اول با عنوان "آموزه‌های مولانا برای انسان معاصر" (دانشگاه تهران - اسفند ۱۳۸۲) در همین محل برگزار شده بود. این همایش مانند همایش قبل، بنا به پیشنهاد و همکاری صمیمانه دانشجویان دانشگاه تهران و باشگاه دانشجویان دانشگاه و با هدف آشنایی دانشجویان با تصوّف و عرفان که میراث معنوی اسلام در ایران است، منعقد گردید. همایش اول که مراسمی به یاد مولانا بود، به همت همین دانشجویان و در جستجوی معنویت اسلامی، پس از چند دهه در ایران برگزار شد؛ معنویتی که به عنوان کوکب هدایتی، می‌تواند راهنمای ما در شبی سیاه باشد که راه مقصود در آن گم شده است.

انگیزه آنان صرفاً بحث‌های علمی دانشگاهی نبود، بلکه خواهان تذکر، آشنایی و سپس استمداد از این میراث معنوی، در نظر و عمل بودند؛ از این رو اغلب کسانی که با شوق فراوان در برگزاری همایش مجاهده می‌کردند، از دانشکده ادبیات و علوم انسانی نبودند، چراکه آنها مولوی یا سهروردی را ادیب یا حکیمی

با تفکرآتی مربوط به گذشته – به سبک مطالعاتی غالباً مرسوم در دانشگاه – نمی‌دیدند و طالب آن بودند که با مولوی و سهروردی به عنوان متفکرانی در زمان حاضر، مأنوس شوند.

در این همایش به طور عام به تصوف و عرفان، به عنوان رکن اصلی فرهنگ ایران اسلامی از ابعاد و جلوه‌های مختلف آن توجه شد و به طور خاص به سهروردی، به عنوان عارفی که متوجه استمرار معنویت ایران قبل از اسلام در دوره بعد از اسلام شد و آن را اظهار داشته است. از این رو مقالات خوانده شده از مباحث غامض عرفان نظری تا مظاهر هنری عرفان، از موسیقی و معماری تا سینما را در بر می‌گرفت.

اکنون که به لطف حق مجموعه مقالات همایش عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر آماده چاپ شده است، از همه اساتید عزیز دانشگاه‌ها و محققان و پژوهشگرانی که در این همایش شرکت کردند یا طرف مشورت بودند، هم‌چنین از افراد و مؤسساتی که در برگزاری همایش مساعدت نمودند، از جانب خود و دوستان دانشجوییم تشکر می‌کنم:

از آقای دکتر غلامرضا اعوانی، ریاست محترم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و آقای دکتر محمدحسین امید، معاونت دانشجویی دانشگاه تهران و آقای رضا حجّتی، مدیر محترم باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران که مساعدت معنوی و مالی در برگزاری این همایش کردند. از آقای مهندس سید محمد بهشتی، ریاست وقت پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی که از معدود مدیران فرهنگی است که تدبیر مدیریت را با صاحب‌نظری در مسائل فرهنگی جمع کرده است که اکنون یافتن این قبیل مدیران اندیشمند برای ما، مانند یافتن کبریت احمر شده است. از اساتید محترم آقایان دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر رضا داوری، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر محمدرضا ریخته‌گران و استاد

شهرام ناظری به جهت مشاوره‌ها و حضورشان در همایش. از استاد دکتر سید حسین نصر که خود از مبلغان اسلام معنوی در غرب و از اولین کسانی هستند که آثار سهروردی را در ایران احیا کردند و به جهت پیامی که به درخواست دبیرخانه همایش، فرستادند. از سرکار خانم دکتر شهین اعوانی، معاونت آموزشی و پژوهشی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران که راهنمای دانشجویان در برگزاری همایش و در تمام مسیر، همراه دانشجویان بودند. از آقای دکتر هادی خانیکی معاونت وقت وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، آقای مهندس علی اصغر خدایاری، معاونت وقت دانشجویی دانشگاه تهران و آقای حسین کرمی مدیر شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران و از دوستان دانشجوییم که شوق آنها محرک اصلی کار بود و ماه‌ها برای برگزاری این همایش می‌جوشیدند و می‌خروشیدند و اگر همت آنان نبود، افسرده‌حالاتان به حرکت در نمی‌آمدند. به‌خصوص، سپاسگزارم از آقایان محسن ناصری، سعید هادی‌زاده، صاحب محمدیان، احسان مینایی، سعید راعی، سعید راد، محمد پیام شهپر، حامد نظری، مهدی بختیاری، رضا وکیلیان، مسعود پاکدل، حسین وفاپور، امیرنصری و جهانداد معماریان. و از خانم‌ها فرشته کاظم‌پور، زهره شریفی، خدیجه مازنی و سپیده کاشانی.

مجموعه مقالات این همایش براساس موضوعی تقسیم‌بندی شده است و تقدّم و تأخر چیدن مقالات عمدتاً بر همین مبنا بوده است. در تدوین، تنظیم و ویرایش این مجموعه مقالات، سرکار خانم فرشته کاظم‌پور، همکار شفیق بنده بودند و از این بابت نیز سپاسگزار ایشان هستم. بّمّه و کرمه

شهرام پازوکی

دبیر علمی همایش

## عرفان، تصوّف، اسلام و ایران

شهرام بازوکی<sup>۱</sup>

تحقیق درباره عرفان و تصوّف در ایران، همچون تحقیق درباره سیر تحولات تاریخی یک فرقه مذهبی اسلامی نیست بلکه تحقیق درباره ظهور و سیر معنا و حقیقت اسلام در ایران است. لذا جستجو برای یافتن سرچشمه‌های دیگر برای تصوّف در ایران، به غیر از سرچشمه زلال اسلام، کاری عبث است. به نظر مشایخ صوفیه اگر اسلام را براساس حدیث نبوی<sup>۲</sup> به داشتن سه جنبه شریعت، طریقت و حقیقت تقسیم کنیم و شریعت را همان احکام و قوانین شرع اسلام، و طریقت را حیات معنوی و جنبه باطنی اسلام، و حقیقت را همان مقصد الهی همه سالکان و مؤمنان و ساحت قدس بدانیم؛ تصوّف عنوانی است که همین جنبه طریقتی در اسلام یافته است و لذا منشأش خود اسلام و قرآن کریم است، اگرچه خود این عنوان و اسم تصوّف بعداً و چنان‌که مشهور است در قرن دوم هجری متداول شد ولی مسمای آن، همان است که گفته شد. از این جهت تصوّف مانند

---

۱. عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۲. این حدیث را ابی‌جمهور احسایی در مجلی (چاپ سنگی، ص ۳۱۴) نقل کرده است.



اسلام، ایرانی و عرب و ترک ندارد خصوصاً اینکه در مقام تصوّف اختلافات قومی کنار رفته و هم‌دلی منشأ هم‌زبانی می‌گردد. از این‌رو صوفیه هیچ‌گاه فرقی میان کسانی مثل سلمان فارسی و اویس قرنی اهل یمن و ذوالنون مصری نمی‌گذارند. پس نمی‌توان سیر تصوّف در ایران را بدون توجه به وجود مشایخ بزرگ غیرایرانی بررسی کرد.

با این احوال پس از نفوذ و گسترش اسلام در ایران، چنان تحوّلی در دل و جان ایرانیان پیدا شد و آنان چنان پیوند معنوی با اسلام بستند که در میان دیگر ملل و اقوام تازه مسلمان دیده نشد. عالی‌ترین ثمره این پیوند اقبالی بود که به تصوّف شد و به صوفیان و عارفان بزرگی که در تاریخ ایران اسلامی ظاهر گردیدند؛ همان اقبالی که به تشیّع نیز شد و همین نکته در فهم ارتباط ماهوی میان تصوّف و تشیّع مهم است. این پیوند از جهت دیگر حاکی از آن است که چگونه ایرانیان تسلیم اسلام و معنویت آن شدند نه تسلیم سلطه اعراب. معنویتی که پس از پیامبر ظهور کامل آن در علی(ع) بود و به‌همین واسطه عمده سلسله‌های صوفیه اجازه معنوی خود را به ایشان می‌رسانند.

بی‌جهت نیست که مخالفان اصالت تصوّف در اسلام نوع دلایلشان با مخالفان اصالت تشیّع در اسلام غالباً یکسان است و تصوّف و تشیّع را حاصل فکر ایرانیان می‌دانند. و باز هم بی‌جهت نیست که حکیم سهروردی در جستجوی حکمت حقیقی که حکمتی مشرقی و به تعبیر او حکمت اشراق است پس از آن که به یونان باستان و هند باستان و بالاخره ایران باستان می‌رسد و از حاملان این حکمت در ایران باستان یعنی حکمای فرس یاد می‌کند، استمرار این حکمت خالده را در عالم اسلام فقط در طریقه تصوّف و در میان مشایخ بزرگ صوفیه مثل

بایزید بسطامی و سهل تستری<sup>۱</sup> می‌یابد و حتی فلاسفه مشائی مثل فارابی و ابن سینا را اهل این حکمت نمی‌داند. اگر هم فیلسوف دیگر مشائی، ابن رشد، فلسفه‌اش در سیر فلسفه اسلامی در ایران جایگاهی پیدا نمی‌کند، به واسطه همین عدم ارتباط تفکر وی با تصوّف و عرفان اسلامی است. در مقام مقایسه می‌توان از عارف بزرگ معاصر و هم‌ولایتی او، شیخ اکبر ابن عربی نام برد که بیشترین شارحشان حکمای ایرانی بودند.

انس و قرابت ایران با تصوّف اسلامی به گونه‌ای بود که گروهی بر آن شدند اصولاً منشأ تصوّف تعالیم زرتشت یا مذهب مانوی است<sup>۲</sup> و گروهی دیگر گفتند که تصوّف نهضتی شعوبی است از جانب ایرانیان بر ضد امتیازات طبقاتی و قومی‌ای که خلفای عرب رومی داشتند.<sup>۳</sup> به نزد عده‌ای نیز تصوّف در ایران، مولود تلخی‌ها و ناکامی‌هایی است که در ادوار تاریخ ایران به هنگام حمله و سلطه بیگانگان مثل دوره مغول پیدا شده است. درحالی که ناکامی‌های زندگی اصل تصوّف را ایجاد نکرد بلکه سبب پناه بردن مردم به تصوّف و لذا رواج آن شد.

در همین مسیر از دیگر مذاهب موجود در ایران در اواخر دوره ساسانی عیسویت به سبب پاره‌ای شباهت‌ها، یا مذهب بودایی به سبب پاره‌ای قرابت‌ها با تعالیم تصوّف منشأ تصوّف گفته شده‌اند و از اولین بزرگان صوفی ایرانی مثل ابراهیم ادهم یا شقیق بلخی و حاتم اصم در بلخ که از قبل از اسلام از نواحی بودایی‌نشین بوده‌اند به‌عنوان منشاء تصوّف در ایران نام برده‌اند.<sup>۴</sup> با این همه تمام موارد شباهت موجود بین تصوّف با مذاهب نامبرده، فقط مؤید نوعی توافق و تطابق است که آن هم طبیعی است؛ زیرا تصوّف نام و عنوان همان معنویتی است

۱. سهروردی، تلویحات، مجموعه مصتفات، ج ۱، ص ۷۴.

۲. زرّین‌کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوّف ایران، صص ۱۳ تا ۱۶.

۳. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوّف در ایران، صص ۳۳ و ۸۱.

۴. سرچشمه تصوّف در ایران، ص ۳۵.